

بررسی سازش واژگانی در ترجمه

دکتر حسین وثوقی
دانشگاه تربیت معلم

سازش واژگانی (lexical adjustment) و سازش دستوری (grammatical adjustment) دو روند اجتناب ناپذیر و بسیار مکرر در فرایند کلی ترجمه هستند و از آنجا که بطور حتم در ترجمه هر زبان مبدأ به هر زبان هدف وقوع می‌یابند، می‌توان به اهمیت شناخت و بررسی آنها پی برد.

گرچه در این فرصت محدود، تنها امکان بررسی یکی از این دو سازش ترجمه دست خواهد داد، چون هر دوی این دو روند نسبت به هم همنشینی و همایی دارند و در بسیاری موارد لازم و ملزوم و مکمل یکدیگر می‌باشند، از این رو ناگزیریم در آغاز تحقیق نگاه گذرای به یکی از آنها یعنی به سازش دستوری بیندازیم و دیگری را که سازش واژگانی است محور اصلی بحث قرار دهیم و بحث مفصل سازش دستوری را به مقاله دیگری محول نماییم.

بهر حال پیش از هر چیز برای این که چهارچوب مشخصی را از فرایند ترجمه برای بررسی خود تعیین کرده باشیم با برداشتی از گفته صاحب‌نظران تعریفی را از فرایند ترجمه در اینجا بیان می‌داریم:

«ترجمه بطور کلی فرایندی است که طی آن طبیعی‌ترین متن زبان هدف جایگزین متنی از زبان مبدأ می‌گردد به نحوی که به عنوان معادل معنا و سبک متن زبان مبدأ پذیرفته شود و همان احساسی را در خواننده زبان هدف برانگیزد که متن اصلی در خواننده زبان مبدأ، گرچه این تعریف بسیار کلی است و نکته‌هایی از آن مانند: زبان مبدأ، زبان هدف، انواع متن، معادل، سبک، خواننده زبان مبدأ، خواننده زبان هدف، احساس برانگیزی، طبیعی‌ترین متن و غیره باید تشریح و توصیف گردد تا بطور کامل تبیین شود، با این وجود بهمین صورت کلی نیز می‌تواند مقصود ما را برآورده کند و چهارچوب مشخصی را برای کار تحقیق ما فراهم سازد.

۱- سازش دستوری

در پرتو و در چهارچوب تعریف بالا ما ترجمه متونی را از زبان انگلیسی به زبان فارسی ملاحظه می‌کنیم و انواع سازشهای دستوری (و در مرحله بعد سازشهای واژگانی) را که در روابط آن متون عملاً رخ داده‌اند بطور عینی مورد شناسایی و بررسی قرار می‌دهیم.

متن زبان مبدأ:

My brother bought some good cheese from the cooperative store yesterday.

متن زبان هدف: دیروز برادر من مقداری پنیر خوب از فروشگاه تعاونی خرید. اکنون با یک تجزیه و تحلیل مقابله‌ای، عناصر این دو متن را با هم مقایسه می‌کنیم. گرچه متن زبان هدف طبیعی‌ترین متن معادل زبان منبع می‌باشد، می‌توانیم موارد اختلاف متعددی در آن نسبت به متن زبان مبدأ مشاهده کنیم:

جدول شماره (۱): مقابله دو متن

مدل اصلی	عناصر جمله	مدل مقابله‌ای
عناصر متن زبان مبدأ		عناصر متن زبان هدف
My brother 1 2	صفت ملکی ضمیر مضاف‌الیه اسم	برادر harādar e man 2 3 1
bought some	فعل گذشت کثرت نامشخص	خرید مقداری
good cheese 1 2	صفت اسم	پنیر panir e xub 2 3 1
From the	حرف اضافه حرف شریف معرفه	از (واژگن معرفت‌شانه معرفگی)
cooperative store 1 2	عامل تعریف (صفت) اسم	فروشگاه forušgāh e ta'avoni 2 3 1
yesterday	اسم (در نقش قید)	دیروز
S - V - O - Ap - At 1 2 3 4 5	ساخت جمله	At - S - O - Ap - V 5 1 3 4 2

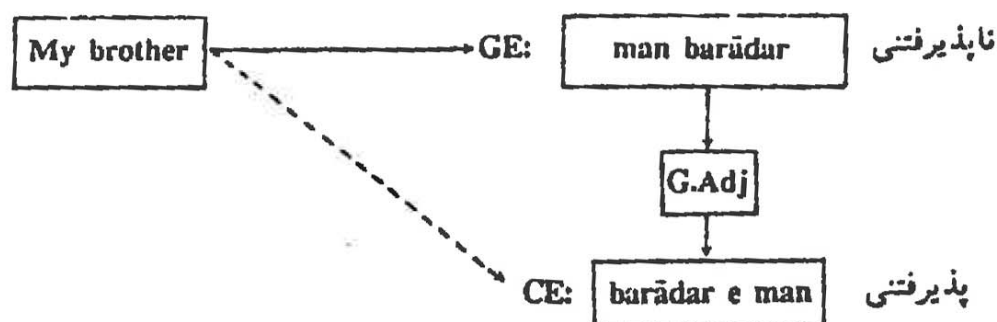
از مقایسه عناصر دو متن در تابلوی بالا چنین برمی آید که متن زبان انگلیسی از یازده فقره عینی یا واژگانی تشکیل شده که هر کدام یکی از اقسام کلام مثل اسم، صفت، فعل، قید، حرف تعریف و غیره می باشد و در برابر هر کدام واژه‌ای از زبان فارسی قرار دارد که تقریباً معادل واژگانی آن محسوب می شود. البته این معادل‌ها در مورد My و the به روشنی سایر موارد نیست (این اختلاف جزئی را که به بحث فعلی ما لطمه‌ای نمی زند نادیده می انگاریم). اما اختلاف عمده بین ارکان این دو جمله، مربوط می شود به روابط ترکیبی بین برخی واژه‌ها که گروه‌هایی را مثل صفت و موصوف یا مضاف و مضاف‌الیه تشکیل می دهند. در متن زبان انگلیسی بالا سه گروه ساخت (phrase structure) وجود دارد که عبارتند از *good cheese, My brother* و *cooperative store* که در برابر هریک از آنها گروه ساختی از زبان هدف آمده است که روابط واژه‌ها در آن متفاوت، یا بهتر است بگوییم، برعکس ترتیب قرار گرفتن واژه‌ها در متن انگلیسی است و به ترتیب عبارتند از *baradar e man, xub panir e* و *foruŝgah e ta'avoni*.

مترجم در هنگام ترجمه، اولاً باید آگاهانه یا ناخودآگاه این موارد اختلاف را تشخیص دهد، ثانیاً معادل‌های دستوری زبان فارسی را با تغییرات لازم در برابر متن زبان مبدأ فراهم سازد. چرا که او بخوبی می داند برای این که این قسمتهای متن زبان هدف بصورت طبیعی و پذیرفتنی درآید باید نسبت به متن زبان مبدأ نوعی دگرگونی گروه ساختی را متحمل گردد.

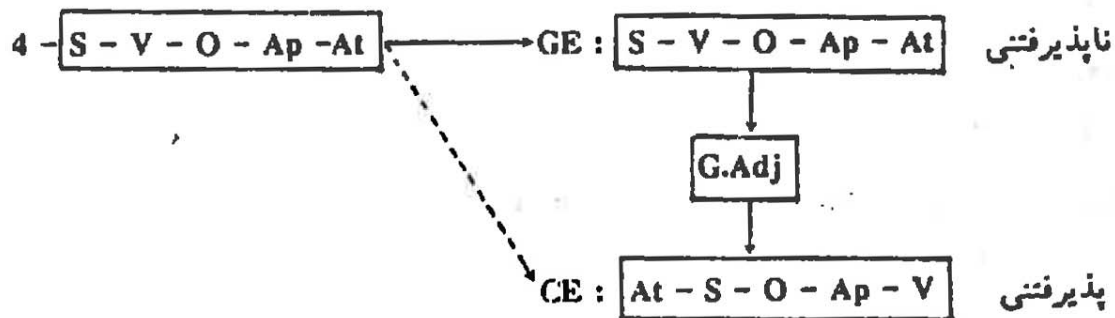
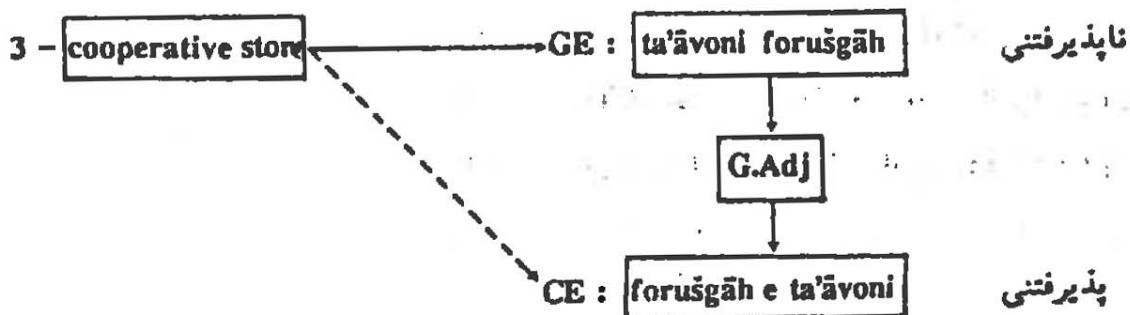
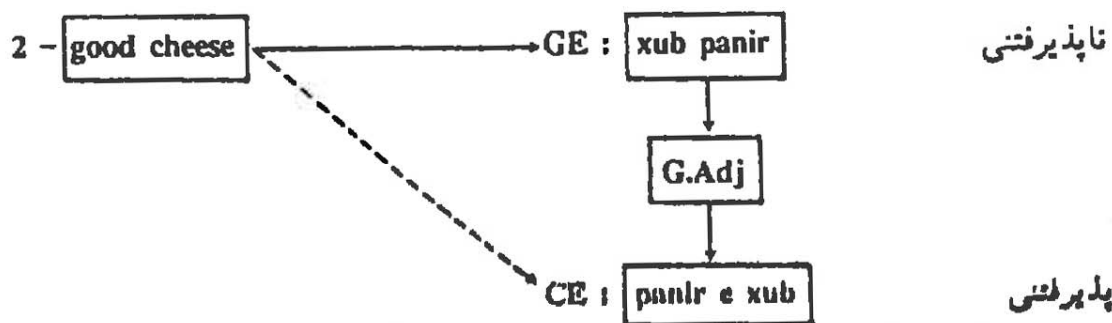
علاوه بر روابط نحوی گروه ساختی، ساخت کلی جمله فارسی نیز نسبت به ساخت جمله زبان مبدأ تغییراتی را می پذیرد تا ویژگی طبیعی خود را به دست آورد. این نوع تغییر نحوی نیز همراه با تغییرات دیگری، در تابلوی بالا در مربعهایی نشان داده شده‌اند. لازم به یادآوری است که سازشهای دستوری انواع بسیار متنوع دارند و تنها به تغییرات ترتیب کلمه‌ها محدود نمی گردند بلکه شامل تغییر مفرد به جمع و بالعکس، تغییر زمانها به یکدیگر، تغییر فرم مثبت جمله به منفی و بالعکس، معلوم به مجهول و بالعکس، تغییر عبارت به جمله‌واره و بالعکس، اسم به صفت، صفت به قید، قید به اسم و مانند اینها هم می شود. این تغییرات دستوری را که در جهت نابرابریهای ساختاری یا نحوی جمله

فارسی در برابر ساختارهای زبان مبدأ یعنی انگلیسی انجام می‌پذیرند تا در زبان هدف به شکل طبیعی‌تر درآیند اصطلاحاً سازش دستوری (grammatical adjustment) می‌نامند. به دیگر سخن، سازش دستوری گذر از ساختارهای برابر به ساختارهای نابرابر یا تغییر یافته‌ای است که طبق تعریف ترجمه موجب می‌شود متن زبان هدف بصورت طبیعی‌ترین معادل متن زبان مبدأ درآید.

برای این که بهتر به ماهیت سازش دستوری پی ببریم لازمست روند سازش‌پذیری را در روابط زیر بطور دقیق‌تر مورد توجه قرار دهیم. (در نمودارهای زیر GE بجای معادل دستوری (grammatical equivalent)، CE بجای معادل همبافتی (contextual equivalent) و G.Adj بجای سازش دستوری (grammatical adjustment) قرار گرفته است.



رابطه بالا نشان می‌دهد که معادل دستوری (GE) که با پیکان ممتد (→) نشان داده شده است نمی‌تواند نسبت به ساخت زبان فارسی طبیعی و پذیرفتنی باشد، لذا یک مرحله سازش دستوری را متحمل می‌شود تا به فرم پذیرفتنی baradar e man یا معادل همبافتی (CE) تبدیل شود. لذا پیکان نقطه‌چین (→) معادل تعدیل یافته و در عین حال نابرابری را نسبت به ساخت زبان مبدأ نشان می‌دهد که به آن سازش دستوری می‌گوییم. نمودارهای سایر روندهای سازش دستوری جمله بالا را برای روشنگری بیشتر در زیر می‌آوریم، در ضمن برای رعایت ایجاز کلام از تکرار توضیحات آنها خودداری می‌کنیم:



بنابر نمودارهای بالا، سازش دستوری را می‌توان بطور دقیق‌تر گذر از روابط دستوری زبان مبدأ و ورود به روابط دستوری زبان هدف دانست به نحوی که ساختار جدید همبافتی (CE) ساختار زبان مبدأ قرار می‌گیرد و در عین حال طبیعی‌ترین معادل زبان هدف محسوب می‌شود.

۲- سازش واژگانی

از بررسی تابلوی شماره (۱) ملاحظه گردید که در برابر هر یک از واژه‌های زبان مبدأ مثل *store, cooperative, from, cheese, good, some, bought, brother* و *yesterday* که هر کدام دارای یک معنای واژگانی (lexical meaning) مخصوص به خود است یک واژه معادل از زبان هدف قرار گرفته است. واژه‌های معادل زبان هدف نیز به ترتیب عبارتند از برادر، خرید، مقداری، خوب، پنیر، از، تعاونی، فروشگاه و دیروز که از معنای واژگانی معادلی نسبت به واژه‌های زبان مبدأ برخوردارند و با آنها رابطه یک به یک برقرار می‌کنند. از این نوع روابط معادل در ترجمه می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که هر یک از واژه‌های زبان هدف در زبان مبدأ با معنای اصلی (denotation meaning) یا معنای ارجاعی (referential meaning) خود در متن زبان هدف حضور پیدا کرده است.

این رابطه مستقیم و یک به یک که در برابر معنای واژگانی یا اصلی هر واژه زبان مبدأ یک واژه زبان هدف قرار گیرد و همان معنای واژگانی و اصلی خود را داشته باشد عملی است که همیشه در فرایند ترجمه از زبان مبدأ به زبان هدف به همین سادگی اتفاق نمی‌افتد، بلکه در موارد زیادی ممکن است مسأله معادلهای واژگانی از پیچیدگیهای خاصی برخوردار گردد که منظور ما نیز بررسی همین پیچیدگیها و نابرابری‌های موجود در گزینش معادلهای واژگانی در ترجمه است. برای اینکه مسأله را بطور ساده و عینی معرفی نماییم، ترجمه متن زیر را ارائه می‌دهیم:

متن زبان مبدأ: The English teacher gave us a difficult test last Monday

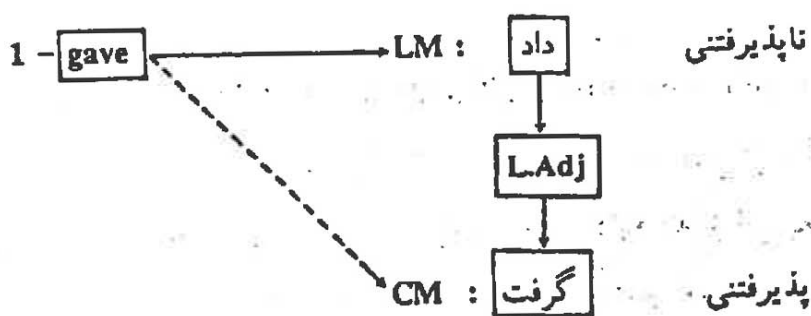
متن زبان هدف: دوشنبه گذشته معلم انگلیسی امتحان مشکلی از ما گرفت.

در متن زبان هدف تعدادی سازش دستوری وجود دارد که از این به بعد بخاطر محور قرار دادن سازش‌های واژگانی مورد توجه قرار نمی‌دهیم. اما در مورد واژه‌ها، گفتنی است که اکثر واژه‌های متن زبان مبدأ با معادلهای واژگانی زبان هدف جایگزین شده‌اند

به استثنای فعل واژه "gave" که در زبان هدف معادل واژگانی آن "داد" بکار برده نشده است. کاربرد معادل واژگانی "gave" یعنی "داد" در متن زبان فارسی با طبیعت این زبان سازگار نیست. در زبان فارسی، "فعلی" که معلم برای برگزاری امتحان انجام می‌دهد، یعنی واژه فعل در همنشینی با معلم و امتحان عبارت از فعل "گرفتن" است. یعنی همبافت‌های یکسان متن زبان مبدأ و زبان هدف دو فعل همبافتی متفاوت را نسبت به طبیعت خویش ایجاب می‌کنند.

این گفته به این معنا است که مترجم نمی‌تواند معادل واژگانی فعل gave را کماکان در این همبافت (context) بخصوص در زبان فارسی بکار ببرد. باید ببیند در همبافت فارسی فعل gave چه معادلی پیدا می‌کند یا به چه معادلی تغییر می‌یابد. این نوع معادل را معادل همبافتی (contextual equivalent) می‌نامند. واژه‌ای که در این معادل زبان هدف بکار می‌رود از معنای همبافتی (contextual meaning) برخوردار می‌گردد. این تغییر معنای واژگانی فعل gave در زبان هدف به معنای همبافتی، اصطلاحاً به سازش واژگانی (lexical adjustment) معروف است. به دیگر سخن سازش واژگانی عملی است که طی آن معنای همبافتی زبان هدف، جایگزین معنای واژگانی زبان مبدأ می‌گردد. این مکانیسم را می‌توان در نمودارهای زیر به گونه‌ای روشنتر نمایش داد:

در رابطه زیر LM یعنی معنای واژگانی بجای (lexical meaning)، L. Adj به معنای سازش واژگانی، بجای (lexical adjustment) و CM به معنای معنای همبافتی، بجای (meaning contextual) آمده است.



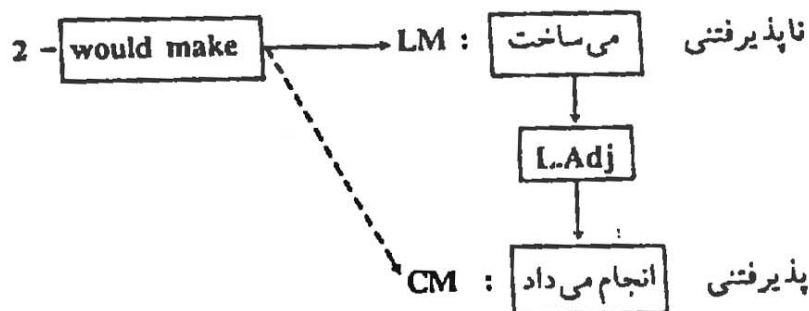
بنابراین در ترجمه واژه‌های متن به یکدیگر چون معنای واژگانی یا اصلی واژه زبان مبدأ نمی‌تواند از کیفیت طبیعی و پذیرا در زبان هدف برخوردار گردد، لذا یک عمل تغییر یا سازش دهی (adjustment) بر آن اعمال می‌گردد و واژه‌ای را که معنای همبافتی مناسبی در همنشینی با سایر واژه‌های متن زبان هدف خواهد داشت برای آن جایگزین می‌نماید. لذا پیکان ممتد (→) در نمودار بالا نشانه معادل مستقیم یا معنای واژگانی است و پیکان نقطه‌چین (⇨) نشانه سازش واژگانی یا معادل غیرمستقیم و جایگزین شده است. بنابراین آنچه در بالا گذشت می‌توان این تعریف دقیق‌تر را در مورد سازش واژگانی بدست داد: "سازش واژگانی عبارتست از گذر از معنای واژگانی واژه زبان مبدأ و رسیدن به معنای متنی معادل از زبان هدف به نحوی که معادل واژگانی جدید طبیعی‌ترین معادل زبان هدف باشد."

برای روشنگری بیشتر، روند سازش واژگانی را در چند مثال دیگر در زیر ملاحظه می‌کنیم:

متن زبان مبدأ: *Edison would make a discovery every other month.*

متن زبان هدف: ادیسون هر دو ماه یکبار اکتشافی انجام می‌داد.

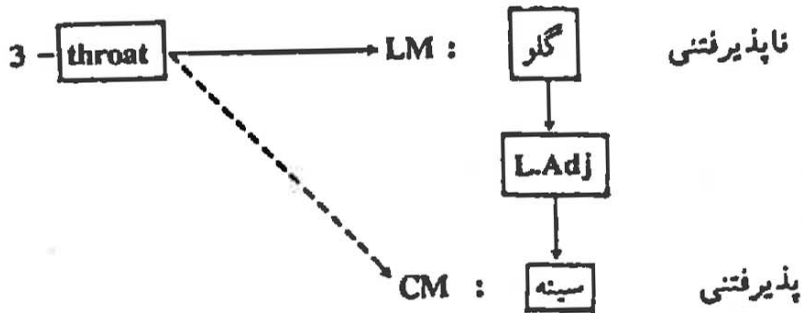
واژه مرکب انجام می‌داد در متن زبان هدف معادل متنی واژه مرکب *would make* از زبان مبدأ است، اما معادل واژگانی آن نیست و تغییری را متحمل شده است که در نمودار زیر مشاهده می‌گردد:



مثال دیگر:

متن زبان مبدأ: He cleared his *throat* and began to speak

متن زبان هدف: او سینه‌اش را صاف کرد و شروع به صحبت نمود.

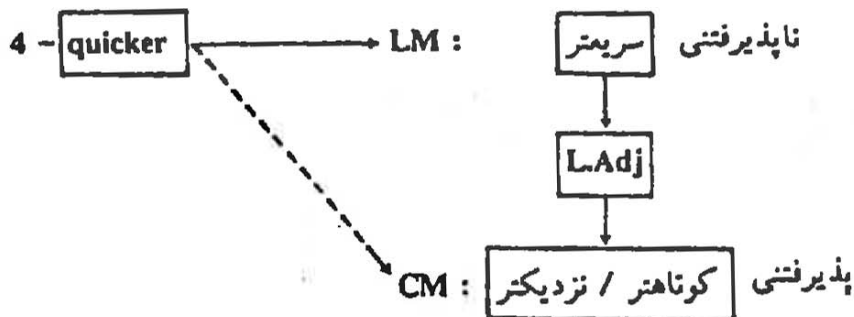


در مثال بالا نیز گرچه معادل معنای واژگانی *throat* در زبان فارسی "گلو" است ولی در متن زبان فارسی این معادل پذیرفتنی نیست و با طبیعت این زبان معنای همبافتی "سینه" بیشتر توافق و سازگاری دارد، لذا بر روی آن سازش معنایی انجام می‌گیرد و پیکان نقطه‌چین (→) نشان دهنده معادل پذیرفتنی می‌باشد.

مثال شماره (۴)

متن زبان مبدأ: Which is the *quicker* of the two ways

متن زبان هدف: از این دو راه کدامیک کوتاهتر / نزدیکتر است.



در نمونه بالا برای معادل همبافتی، دو فقره واژگانی وجود دارد که معنای همبافتی آنها می‌تواند طبیعی‌ترین معادل زبان هدف را برای واژه *quicker* در همبافت زبان فارسی فراهم سازد.

اکنون لیستی از جمله‌های زبان انگلیسی را به عنوان متون زبان مبدأ و معادل‌های ترجمه‌ای آنها را به فارسی به عنوان متون زبان هدف در زیر می‌آوریم که در هر کدام از متن‌های زبان هدف یک یا چند نوع سازش واژگانی وجود دارد. واژه‌های هر دو متن را با حروف برجسته/سیاه مشخص می‌کنیم. امید است این متن‌ها انواع گوناگونی را از سازش‌های واژگانی فراهم آورند تا شواهد مطلوبی برای بخش آخر این مقاله یعنی بخش نتیجه‌گیری بدست دهند.

1- Do be quick, we *shall* miss the train.

۱- عجله کن و الا به قطار نمی‌رسیم.

2- I ache *al* over.

۲- تمام بدنم درد می‌کند.

3- He spends money *like* water.

۳- او مثل ریگ پول خرج می‌کند

4- I did my *very* best.

۴- منتهای کوشش‌م را بخرج دادم/کردم.

5- The thermometer *reads* 30°

۵- دماسنج ۳۰ درجه سانتیگراد را نشان می‌دهد.

6- They know *every* inch of the field.

۶- آنها و جب‌به‌وجب مزرعه را می‌شناسند.

7- Her finger nails *were* red.

۷- به ناخن‌هایش لاک قرمز زده بود.

8- Mary *interrupted* him.

۸- مری وسط حرف او پرید/مری حرف او را قطع کرد.

9- He cleared his *throat* and began to speak.

۹- او سینه‌اش را صاف کرد و شروع به صحبت نمود.

10- One can never tell her *anything in confidence* for she has a long tongue and *cannot keep a secret*.

۱۰- کسی نمی‌تواند حرف محرمانه‌ای را به او بگوید. برای اینکه زبانش لق است و نمی‌تواند راز نگه‌دار باشد.

11- I know *something* is going to happen.

۱۱- به دلم گذشته است که اتفاق ناگواری می‌افتد.

12- I have decided to *take* a vacation in Mexico.

۱۲- تصمیم گرفته‌ام تعطیلاتی را در مکزیکو بگذرانم.

13- *Don't put* much confidence in what he says.

۱۳- به گفته‌های او زیاد اعتماد نکن.

14- Be more temperate in your *language*.

۱۴- در گفتار خود کمی معادلتر باش.

15- I have *little more* to say.

۱۵- مطلب دیگری برای گفتن ندارم.

16- Both of them *have broken* their engagement.

۱۶- هر دوی آنها نامزدی خود را بهم زده‌اند.

17- That he might be very ill *never occurred to me*.

۱۷- هرگز به فکر من نرسید که او خیلی مریض است. / هرگز برای من معلوم نشد که او خیلی مریض است.

18- This tray was bought *at Woolworth's*.

۱۸- این سینی را از فروشگاه وولورث خریدیم.

19- The girl *fell off* the horse yesterday and hurt herself badly.

- ۱۹- آن دختر دیروز از اسب پرت شد (/ به زیر افتاد) و به سختی آسیب دید.
- 20- (Are you) going with us tonight?
- ۲۰- آیا امشب همراه ما می آیی؟
- 21- All the volunteers for evening work must *report to the office* immediately.
- ۲۱- تمام داوطلبان کار شبانه باید هرچه زودتر به دفتر مراجعه کنند.
- 22- Can you *reach* the top shelf of the cabinet?
- ۲۲- آیا دستت به قفسه بالای کمد می رسد؟
- 23- Nobody *answers* the phone, they must *be out* to lunch.
- ۲۳- هیچ کس گوشی را بر نمی دارد، لابد برای ناهار به رستوران رفته اند.
- 24- You should *be hearing from him* soon.
- ۲۴- انتظار می رود که به زودی اطلاعی / خبری از او دریافت کنی.
- 25- The next few years *will see* many changes.
- ۲۵- در ظرف چند سال آینده ما شاهد تغییرات زیادی خواهیم بود.
- 26- Don't *ever get* your clothes dirty.
- ۲۶- هرگز لباست را کثیف مکن!
- 27- They often *went* without food.
- ۲۷- آنها اغلب بدون غذا می ماندند / سر می کردند.
- 28- I have never *been* to Shiraz again.
- ۲۸- من دیگر هرگز به شیراز نرفته ام.
- 29- He is my *half*-brother.
- ۲۹- او برادر خوانده من است.
- 30- He is a man *greedy* for money.
- ۳۰- او مرد پول پرستی است.
- 31- I *pinched* my finger.

۳۱- انگشتم لای درگیر کرد.

32- The room *sleeps* ten men.

۳۲- این اطاق برای خوابیدن ده نفر جا می شود.

33- He is a blacks mith *by trade*.

۳۳- شغل او آهنگری است.

43- Mr Brown *drives* an expensive car.

۳۴- آقای براون اتومبیل گران قیمتی دارد.

35- The Navy reported the *loss* of two ships.

۳۵- نیروی دریایی غرق شدن دو کشتی را گزارش داد.

36- We *have* information that the enemy will attack tonight.

۳۶- اطلاع حاصل کرده ایم / به ما گزارش رسیده است که امشب دشمن حمله می کند.

37- One of these days I'll go and *see* him.

۳۷- یکی از همین روزها به دیدار او خواهم رفت.

38- No one woman *could* run a big house like that *single-handed*.

۳۸- هیچ خانمی نمی تواند خانه به این بزرگی را دست تنها اداره کند.

39- Will I give you *more tea*?

۳۹- آیا میل دارید یک فنجان چای دیگر برای شما بیاورم.

40- What is the latest *date* for registration?

۴۰- آخرین مهلت ثبت نام چه روزی است؟

در هر جفت از جمله های بالا، اکثر اقلام واژگانی می توانند با معنای واژگانی خود در دو زبان بطور مستقیم معادل یکدیگر قرار بگیرند و تنها شمار اندکی از واژه ها (و عناصر دستوری) در دو زبان با یکدیگر اختلاف دارند. این خصوصیت که جنبه های مشترک و مشابه جمله های دو زبان خیلی بیشتر از عناصر مورد اختلاف آنها است، یکی از ویژگی های کلی و عمومی بین زبانهای دنیا است. یکی از دست آوردهای مهم زیانشناسی همگانی در ربع دوم قرن حاضر این حقیقت بسیار مهم است که بین زبانهای دنیا

جنبه‌های مشترک و مشخصه‌های یکسان به مراتب بیش از خصوصیات متفاوت و ویژگی‌های خاص آنها است. بهمین دلیل برای زیانشناسی سالهای ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ دو هدف بسیار روشن و قطعی‌ای برای مطالعه و بررسی‌های زیانشناختی مشخص شد: یکی کشف مشترکات و همگانی‌های یکسان و قوانین کلی ساختاری موجود بین همه زبانهای دنیا یا در زبان انسان بطور اعم و توصیف آنها برای رسیدن به یک نظریه همگانی زیانشناختی و هدف دوم توصیف مشخصه‌های ویژه و متفاوت هر زبان خاص، برای تدوین دستور ویژه آن زبان.

در ربع سوم قرن بیستم زیانشناسان شناختی بجای توجه به مشترکات روساختی و عینی بین زبانها، به جنبه‌های مشابه و مشترک ذهنی زبانها روی آوردند و در این میان زیانشناسان گشتاری - زایشی با اطمینان زیاد بر این عقیده استوار شدند که انسان، موقع تولد یک سری تواناییهای یادگیری زبان و دانش بالقوه و قوانین کلی زبان را بطور فطری با خود همراه دارد و مهمتر از آن این که این تواناییهای ذهنی و قواعد کلی زبان برای همه افراد بشر یکسان و مشابه است و عطیه‌ای است که از جانب خداوند تنها به ابناء بشر عطا شده است. اختلافات بین زبانهای جوامع مختلف دنیا صرفاً مربوط به جنبه گفتار یا جنبه اجرایی آنها است. لذا جنبه بالقوه زبانها با هم یکسان است و جنبه بالفعل آنها نسبت به هم دارای اختلافاتی است.

فرایند ترجمه نیز که بخشی از کاربرد عملی و اجرایی زبان است نمی‌تواند از این ویژگیهای جنبه ذهنی و اجرایی زبان مستثنی باشد. بهترین محیطی که این نوع مشترکات و اختلافات زبان در آن بروز می‌کند و مصداق می‌یابد جمله است که به وسیله سخنگویان زبانهای مختلف تولید می‌گردد. در ترجمه از یک زبان مبدأ به یک زبان هدف کار مترجم این است که عملاً معادلی از زبان هدف در برابر جمله زبان مبدأ فراهم سازد. در این راستا مترجم سعی می‌کند یک مفهوم یا پیام مشابه و یکسان با پیام جمله مبدأ را در جمله هدف بوجود آورد. اما واژه‌ها و ساختارهای جمله زبان مبدأ که بطور مستقیم و با معنای واژگانی در جمله زبان هدف مصداق پیدا نمی‌کنند مستلزم تحمل سازش واژگانی (و دستوری) خواهند بود. این ضرورت بطور تقریب در اکثر جمله‌های

زبان هدف وجود خواهد داشت. اکنون ببینیم از آنچه که تا به اینجا مطرح شده است و از دخالت روندهای سازش واژگانی (و دستوری) در ترجمه چه نتایجی حاصل می‌گردد.

۳- نتیجه بحث

۱- با توجه به این که جنبه مشترک و همچنین مشخصه‌های مختلف بین زبانها از ویژگیهای ذاتی و حتمی رابطه بین زبانهای مختلف دنیا است، بنابراین در فرایند ترجمه بناچار و ناگزیر دو روند سازش واژگانی و سازش دستوری اجتناب‌ناپذیرند تا بتوانند موارد اختلاف زبان هدف را به معادلهای متنی زبان مبدأ تبدیل کنند. لذا مترجم در هر مورد که نمی‌تواند معنای واژگانی زبان مبدأ را در زبان هدف بکار ببرد ناچار است معادل همبافتی آن را در زبان هدف پیدا کند یا بسازد و این کار مستلزم اعمال سازش واژگانی خواهد بود.

۲- اگرچه طبق یافته‌های زیانشناسی ساختگرا، موارد مشابه و جنبه‌های مشترک ساخت زبانها به مراتب بیش از موارد ویژه و مشخصه‌های متفاوت آنها است (که این وضعیت در آحاد جمله‌های زبان نیز منعکس می‌گردد) در ترجمه متن زبان مبدأ به زبان هدف همین اختلاف اندک کافی است که مشکلات عمده و پیچیدگیهای زیادی را برای به دست دادن ترجمه طبیعی و خوب بوجود آورد و مترجم همواره در تلاش خود برای فراهم نمودن بهترین و طبیعی‌ترین معادل زبان هدف در مقابل این قبیل سازشهای واژگانی سخت به تکاپو و جستار خواهد افتاد. دلیل آن را در قسمت زیر بطور مستدل توضیح خواهیم داد.

۳- یکی از ویژگیهای منفی و دست‌وپاگیر آن دسته از اقلام واژه‌های متن زبان مبدأ که نمی‌توانند بدون سازش واژگانی، بطور طبیعی در متن معادل زبان هدف رخ دهند این است که این اقلام از یک سو از گونه‌گونی زیادی برخوردارند چرا که در هر جمله نمود و جلوه خاصی می‌یابند و به شکل متمایزی ظاهر می‌شوند و از سوی دیگر دارای بسامد یا فراوانی نیستند یعنی هر یک از آنها عیناً در جمله‌های دیگر بطور مکرر و بسامدی به کار برده نمی‌شود. از این رو می‌توان ادعا کرد که هیچ نوع رابطه نظام‌مندی بین این گونه اقلام واژگانی نیست و رخداد آنها در جمله‌های مختلف قاعده‌مند نیستند. همین

بی‌نظمی و بی‌قاعدگی موجب می‌شود که هویت این واژه‌ها غیرقابل پیش‌بینی و نامأمونس باقی بماند و از نظر ظاهری، آشکار و چشمگیر نباشد. لذا مترجمان ممکن است ویژگی آنها را بخوبی تشخیص ندهند و بدون اعمال روند سازش واژگانی بر آنها، معادل واژگانی آنها را در زبان هدف بازسازی کنند. این کار تا آنجا امکان دارد و محتمل می‌باشد که مثلاً ممکن است یک مترجم عنوان کتاب سامرست موآم را که *The Moon and Six Pence* می‌باشد در زبان هدف بطور مستقیم به صورت «ماه و شش‌پشیز» معادل‌سازی کند. یا ممکن است مترجمی که این شعر فارسی را که می‌گوید: «کجا شهد است این آبی که در هر دانه انگور است؟» به انگلیسی با واژه پرسشی عادی *Where* و بصورت *Where is the nectar ...* ترجمه کند در حالی که پرسش انکاری یا تأکیدی است. این نابسامانیهای ترجمه‌ای بیشتر از آنجا ناشی می‌شود که تشخیص این قبیل اقلام واژه‌ای در متن زبان مبدأ همیشه کار ساده‌ای نیست. آنها بطور نامحسوس، پنهانی و مخفیانه از زیر نظر مترجم فرار می‌کنند و تنها پس از چاپ اثر است که به نحوی رخ می‌نمایند و جلوه‌گر می‌شوند.

۴- از آنچه تاکنون بیان شد چنین استنباط می‌شود که این‌گونه اقلام واژگانی که نمی‌توانند با معانی واژگانی خود مستقیماً به زبان هدف برگردانده شوند دو نوع مشکل اساسی و مشخص را برای مترجم بوجود می‌آورند: یکی این که تشخیص آنها در زبان مبدأ مستلزم دقت، موشکافی و هوشیاری زیاد مترجم است، و دوم این که پردازش معادلهای همبافتی و طبیعی آنها در زبان هدف، به گونه‌ای که برای خواننده زبان هدف روان، طبیعی و پذیرفتنی باشد، مستلزم توان، تجربه، تسلط و مهارت زیاد او است.

۵- اکنون که دو نوع مشکل اساسی یعنی تشخیص و معادل‌سازی را در مورد اقلام واژگانی مورد اختلاف زبان مبدأ و زبان هدف متوجه شدیم، این پرسش مطرح می‌شود که آیا آموزش رسمی و کلاسی، و بالاخره معلومات قبلی و آگاهانه می‌تواند به کار عملی و تجربه واقعی مترجم کمک کند و سطح فرآیند ترجمه او را از این لحاظ ارتقاء بخشد؟ این سؤال به این علت مطرح می‌گردد که عده‌ای معتقدند که ترجمه یک هنر است، کاری است ذوقی و تنها از طریق علم و آموزش نمی‌توان از پس مشکلات آن برآمد. بهر حال

این عقاید و آن پرسشها موجب گردید که نگارنده، تحقیق کوچکی را در مورد مسأله ارتباط یا تأثیرات آموزشی معلومات کلاسی و اطلاعات نظری با کار تجربی و عملی مترجم انجام دهد و ببیند آیا این دو عامل یعنی معلومات قبلی و تجربه عملی نسبت به هم ارتباطی دارند یا نه. گرچه نحوه اجرای آن تحقیق و جریان انجام آن در مقاله ای مجزا عرضه خواهد شد، نتایج آن را به اجمال در دو جدول زیر می توان مشاهده کرد.

جدول شماره (۲) Pretest:

	No	$\sum X$	\bar{X}	SD	Variance
E.Group	20	123	6.15	2.15	4.42
C.Group	20	123	6.15	2.00	4.32
t - observed: - .32					
t - critical: 2.021					

چون ارزش t-observed از مقدار t-critical کمتر است اختلاف معلومات زبان ترجمه ای بین این دو گروه محسوس نیست و سطح زبانی آنها نزدیک به هم تشخیص داده می شود.

جدول شماره (۳) Post Test

	No	$\sum X$	\bar{X}	SD	variance
E.Group	20	160	8	2.08	4.32
C.Group	20	178	8.90	1.48	2.20
t - observed: -2.90					
t - critical: 2.21					

همانطور که از مقابله ارزش t-observed و t-critical مشاهده می شود تفاوت بین این دو گروه اولاً متمایز و معنی دار است، در ثانی در جهت عکس معنی دار می باشد یعنی

گروه شاهد (C) که آموزش (treatment) ندیده است بهتر از گروه تجربی (E) در زمینه سازش واژگان از عهده پس آزمون برآمده است.

۶. نتایج تحقیق بالا دو حقیقت مسلم را برای ما آشکار می‌سازد: نخست این که آموزش مباحث نظری درباره ترجمه یک سری معلومات علمی و اطلاعات تجربیدی را در اختیار کارآموز یا دانشجو قرار می‌دهد که تنها ذهن او را از حقایق گوناگون ترجمه روشن می‌سازد، اما هیچ تضمینی به ما نمی‌دهد که این اطلاعات در کار عملی و تجربی دانشجو هنگام ترجمه مورد استفاده قرار بگیرد. درست همانند کسی که بخواهد شنا یاد بگیرد اما توضیحات مربی او عملاً هیچ نوع کمکی به شناور ماندن او بر روی آب نمی‌کند.

دوم این که بهتر است آموزش اطلاعات نظری را با تمرینهای عملی مقدم و مؤخر کنیم. یعنی این که به جای آموزشهای مرسوم فعلی، تدریس ترجمه را با دایر کردن کارگاههای ترجمه آغاز نماییم و از دانشجویان و کارآموزان خود بخواهیم که قطعه‌هایی از متن‌های ترجمه شده چاپی را با متن اصلی آنها جمله به جمله مقابله و تجزیه و تحلیل کنند و آن اعمال و پردازشهایی را که مترجم با تجربه در به وجود آوردن متن معادل و طبیعی زبان هدف انجام داده است شناسایی و کشف نمایند و نابرابریهای مبتنی و سازشهای واژگانی (و دستوری) را که بر متن زبان هدف اجرا شده تشخیص دهند. آنگاه قضاوتها و ارزشیابی‌هایی را نیز از نظرات شخصی و استنباطهای فردی بر آنها داشته باشند تا بینش دقیق و نگرشهای عمیقی در امور عملی و تجربی ترجمه به دست آورند، مسایل عملی و پیچیدگیهای واقعی ترجمه را لمس کنند. آنگاه در کنار این نوع کارهای عملی و در جهت تقویت مهارت و بینشهای کارآموزان نسبت به تدریس مباحث نظری و اطلاعات مختلف درباره ترجمه، به دانشجویان آموزش داده شود و خلاصه به جای این که کارآموزان مسیری را از تئوری به عمل به پیمایند پیشنهاد می‌شود که مسیر آنها از کار تجربی و تمرینهای عملی شروع و رفته‌رفته به سوی مباحث نظری سوق داده شود تا این که مسایل و مباحث نظری همیشه در خدمت و برای تقویت مهارتهای عملی دانشجویان قرار گیرد و به هدر نرود.

کتابنامه

- 1- Bell, Roger T. 1991 *Translation And Translating* Longmans
- 2- Catford J.C. 1965 *A Linguistic Theory of Translation* Oxford University Press.
- 3- Chomsky, Noam; 1965 *Aspects of The Theory of Syntax* The M.I.T. Press.
- 4- Chomsky, Noam; 1972 (68) *Language And Mind* (Enlarged Edition) Harcourt Brace Jovanovich.
- 5- Falk, Julia S. 1978 *Linguistics And Language* John Wiley and Sons Inc.
- 6- Mir-emadi, Seyed Ali; 1991 *Theories of Translation And Interpretation* SAMT.
- 7- Larson, Mildred; 1984 *Meaning - based Translation* University Press of America.
- 8- Newmark Peter; 1988 *Approaches to Translation* Prentice Hall International (UK) Ltd.
- 9- Newmark, Peter; 1988 *Textbook of Translation* Prentice Hall International (UK) Ltd.
- 10- Nida, E.A. 1964 *Towards A Science of Translation* Brill, Leyden
- 11- Seliger, H.W; and Eluna Shohamy; 1989 *Second Language Research Methods* Oxford University Press.
- 12- Ward, Jan de, and Eugene A. Niad; 1986 *From one language to Another* Thomas Nelson Publishers.
- ۱۳- لطفی پور ساعدی، کاظم اصول و روش ترجمه ۱۳۷۱ مرکزی نشر دانشگاهی - تهران
- ۱۴- هژبرنژاد، حسین آیین ترجمه ۱۳۷۲ انتشارات دونور